



بررسی علل ناسازگاری زناشویی در تعاملات زوجی (مطالعه کیفی)

دانشجوی دکتری گروه مشاوره، واحد خمینی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی شهر، اصفهان، ایران.
استادیار گروه مشاوره، واحد خمینی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی شهر، اصفهان، ایران.
استادیار گروه مشاوره، واحد خمینی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی شهر، اصفهان، ایران.

علی روزیان*^{id}

فهیمة نامدارپور*^{id}

فاطمه جوادزاده شهشانی*^{id}

Namdarpour@iaukhsh.ac.ir

ایمیل نویسنده مسئول:

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۲

دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۴

فصلنامه علمی پژوهشی
خانواده درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۴۳۰-۲۷۱۷

<http://Aftj.ir>

دوره ۴ | شماره ۱ | پیاپی ۱۴ | ۱-۱۸

بهار ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

هدف: هدف مطالعه حاضر بررسی علل ناسازگاری در تعاملات زوجی است. **روش پژوهش:** این مطالعه با روش کیفی و به شیوه تحلیل مضمون (تماتیک) انجام شد. روش: روش نمونه گیری هدفمند و تا حد اشباع بود به این ترتیب که ۲۰ نفر از زوجین ناسازگار بر اساس ملاک‌های ورود و خروج انتخاب شدند و مورد مصاحبه قرار گرفتند. ابزار پژوهش مصاحبه نیمه ساختاریافته عمیق بود. **یافته‌ها:** داده‌های گرد آوری شده به کمک تحلیل مضمون و نرم افزار MAXQDA.2018 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. پس از تحلیل محتوای داده‌ها هفت مقوله مرکزی حاصل گردید که به ترتیب اهمیت عبارت بودند از کمبود مهارت‌های ارتباطی (ناهماهنگی رفتار کلامی و غیر کلامی، ضعف مهارت گفتگو، مرزهای مبهم، ضعف مهارت‌های شنیداری)، نفوذ ناپذیری (عدم انعطاف پذیری، عدم توافق، تکبر ورزیدن)، نبود مرزبندی در خانواده اصلی (مثلث سازی، محکوم کردن، مداخله کردن)، عوامل اقتصادی (مشکلات مالی، مهریه سنگین، تورم)، ناززنده‌سازی (کم ارزش دانستن، عدم پذیرش، قضاوت کردن)، عدم تحمل پریشانی (عدم کنترل خشم، احساسی عمل کردن، نفرت داشتن) و ازدواج اجباری (پایبندی به روابط قبيله ای، پایبندی به آداب و رسوم). **نتیجه گیری:** در تعاملات زوجی مقوله‌های بدست آمده، علل ناسازگاری زناشویی هستند.

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

درون متن:

(روزیان، نامدارپور و جوادزاده شهشانی، ۱۴۰۲)

در فهرست منابع:

روزیان، علی، نامدارپور، فهیمة، و جوادزاده شهشانی، فاطمه. (۱۴۰۲). بررسی علل ناسازگاری زناشویی در تعاملات زوجی (مطالعه کیفی). *خانواده درمانی کاربردی*. ۴(۱)، ۱-۱۸.

کلیدواژه‌ها: تعاملات زوجی، ناسازگاری زناشویی و مطالعه کیفی

مقدمه

خانواده مهمترین نهاد جامعه و شکل دهنده شخصیت آدمی می‌باشد. ناسازگاری زناشویی دلیل اصلی طلاق و مشکلات بین فردی بوده است. پس می‌توان علل عمده مشکلات خانواده را در ناسازگاری زناشویی پیدا کرد (فی، کارال، سبرامیام، شی، کامات و پاکر ۲۰۱۳). ناسازگاری زناشویی توسط متغیرهای ناکامی جنسی، پایبندی مذهبی و پایگاه اجتماعی تبیین شده است که ناکامی جنسی بیشترین سهم را در ناسازگاری زناشویی دارد این درحالی است که پایبندی‌های مذهبی با میزان ناسازگاری زناشویی رابطه معکوس دارد (مسعودی اصل و قلی زاده، ۱۳۹۵). ماهیت تعارض در ازدواج امری بدیهی است و تعارضات و ناسازگاری‌ها می‌تواند بر سلامت روان و بهزیستی افراد اثر بگذارند (فینچام، بیچ و داویلا، ۲۰۰۴). متغیر دخالت دیگران برای طلاق در بین متغیرهای دیگر از سهم بیشتری برخوردار است (ریاحی، علیوردی نیا و بهرامی، ۱۳۸۵). خانوادهای سالم و مطلوب از سازگاری زناشویی بیشتری برخوردار هستند (فی و همکاران، ۲۰۱۳). ارتباط مؤثر تنها مهارت لازم برای دوام ازدواج شناخته شده است (رئوس، رودریکوز، لمپس، میوردوک، اسپوچا ولون، ۲۰۱۰). با کاهش تاب آوری زنان و مردان، ناسازگاری زناشویی نیز افزایش می‌یابد (اوزدن و سلین، ۲۰۱۴). ناسازگاری و تعارضات زناشویی بسیار شایع است علل عمده اختلافات زناشویی عبارت بودند از علل روانی، جنسیتی، جنسی، فرهنگی اجتماعی، اقتصادی. پنج پیامد مهم از تعارضات زناشویی استرس، احساس افسردگی و اندوه، نگرانی و احساس ناامیدی این پنج پیامد مهم روانشناختی در خانوادهایی که تعارضات زیادی دارند فراوانی بیشتری دارند (تاسیو و جی تاهیون، ۲۰۲۱). متغیر دخالت دیگران برای طلاق در بین متغیرهای دیگر از سهم بیشتری برخوردار است (ریاحی و همکاران، ۱۳۸۵). زیر منظومه‌های زن و شوهری یکی از علل اختلال در الگوی مرادده‌ای است (مینوچین، ۱۹۸۵). همسانی، هماهنگی موفقیت زناشویی را بیشتر می‌کند و ناهمسانی، ناسازگاری و ناخشنودی را در پی دارد (ایسترنبرک، بارادرن، ابیوت، لامب و جیوترمان، ۲۰۰۶). تعارض می‌تواند بر توانایی زوجها در مراقبت از فرزندان و توجه به آن‌ها اثر بگذارد (برین وینبرگر، ۱۹۹۵، به نقل از نامدارپور، ۱۳۹۷).

سازگاری زناشویی در گرو رضایت زناشویی است (بینگهام، ۱۹۹۶). تعارض و ناسازگاری مداوم بهزیستی، کیفیت رابطه افراد را به خطر می‌اندازد (بالبی، ۲۰۰۸). ناسازگاری در مقابل سازگاری قرار دارد. می‌توان ناسازگاری زناشویی را به معنای نارضایتی، عدم احساس خوشبختی، عدم توافق در تصمیم‌گیری‌ها، ارتباط نامناسب قلمداد کرد (بالسین و کارهان، ۱۹۹۲). وجود ناسازگاری در ازدواج و رابطه زناشویی از مهم‌ترین عوامل بروز تنش، سردی روابط، گسیختگی انسجام و وحدت خانواده و در نتیجه ایجاد کانونی است که نه تنها نمی‌تواند نیازهای عاطفی، روانی و امنیتی اعضای خود را برآورده سازد که باعث بروز آشفتگی روانی، ناراحتی‌ها و مشکلات روانی در اعضا گردیده و سلامت روانی آن‌ها را به خطر می‌اندازد (موندول، ۲۰۱۴). تعامل بخش جدائی‌ناپذیر از رابطه همسری، مانند هرگونه رابطه انسانی است و ناسازگاری به صورت یک طیف می‌باشد درابتدای آن ناسازگاری و در انتهای آن طلاق قرار می‌گیرد و فرایندی است که در طول زمان شکل می‌گیرد (مارکمن و هالفورد، ۲۰۰۵). حمایت در خانواده صمیمیت را افزایش می‌دهد (کلارک، ۲۰۱۵). ارتباط مؤثر تنها مهارت لازم برای دوام ازدواج شناخته شده است (رئوس و همکاران، ۲۰۱۰). ناسازگاری‌ها خانواده در روابط اجتماعی معیوب است و حل مسایل خانواده وابسته به رفتارهای تعاملی سازنده است

(نیولون، ۲۰۰۰). در خانواده مرزها نقش مستقیم دارد و انسجام خانواده را تحت تاثیر قرار می‌دهند (ساپیتانو و گرینهوس، ۲۰۱۸). برای ایجاد رضایت زناشویی و سازگاری خانواده اقتصاد در اولویت است (زیتو و ایکسنو، ۲۰۲۱). هرگاه اهداف و نیازهای زوجین با هم ناهمخوان و ناسازگار باشد، باعث زمینه بروز اختلاف و عدم تفاهم می‌گردد (نامدار پور، ۱۳۹۷). ازدواج اجباری باعث خیانت و افزایش ضرب و شتم خانوادگی است. ازدواج اجباری نوعی خشونت جنسی است (طاهری، ۱۳۹۷).

مطالعه منابع موجود نشان می‌دهد با گذشت بیش از نیم قرن از پژوهش در مورد ناسازگاری زناشویی، هنوز این متغیر در بین اندیشمندان حوزه روابط زوجین، جزو مباحث مهم بوده و فعالیت علمی در این زمینه به طور روزافزونی در جریان است. در بین پژوهش‌های کیفی در دسترس، در زمینه کیفیت رابطه زناشویی با وجود بررسی مفاهیمی چون تعارضات زناشویی، نارضایتی زناشویی، طلاق و سایر متغیرهای دیگر اما به نظر می‌رسد مفهوم‌سازی‌های موجود در مورد توصیف متغیر ناسازگاری زناشویی در این زمینه نارسا بوده و در خصوص علل و عوامل موثر بر آن پژوهش‌های کیفی قابل توجهی انجام نشده است. در خصوص اهمیت تحقیق در حوزه خانواده تحقیق کیفی بهترین راه برای بررسی پویایی‌های خانواده و روابط، خانوادگی بوده و داده‌های فوق العاده غنی‌تری را نسبت به رویکرد کمی فراهم می‌آورد و به لحاظ دستیابی به برخی از اهداف پژوهشی، از رویکرد کمی فراتر می‌رود چرا که در رویکرد کیفی پدیده‌ها عینی و ثابت تلقی نمی‌شوند و متناسب با زمینه‌شان متفاوت هستند (گانونک و کلمن، ۲۰۱۸). بر اساس مطالعه ادبیات پژوهش نتایج برخی از پژوهشها بیانگر این است که ناسازگاری علل عمده تنش‌های بین فردی خانواده بوده و نتایج چند مطالعه مؤید آن است که این مقوله از علل عمده طلاق در خانواده است. طبق آمار، طلاق در ده سال اخیر سی و هفت درصد رشد داشته است. صرف نظر از ازدواج‌هایی که به طلاق منتهی می‌شوند، ازدواج‌های ناموفق زیادی وجود دارد که به دلایل مختلف زن و شوهرها مایل به جدایی نیستند. به نظر می‌رسد این مسأله نشان دهنده سازگاری پائین برخی از زوجها در روابط با هم بوده و پرداختن به موضوعات ناسازگاری زناشویی به عنوان یکی از عوامل دخیل در طلاق و تعارضات را ضروری می‌نماید. در سالهای اخیر استان کهگیلویه و بویراحمد بواسطه مشکلات عمده‌ای مانند فقر، حاشیه نشینی، طلاق، و خودکشی در کشور مقام اول را کسب کرده است (مختاری و ولی نژاد، ۱۳۹۳). لذا لازم است برای بررسی متغیر ناسازگاری زناشویی در تعاملات زوجی با رویکردی کیفی به این پدیده پرداخته شود تا عوامل موثر بر آن مورد شناسایی قرار گیرد؛ بنابراین هدف اصلی از مطالعه حاضر پاسخ به این سوال است که علل ناسازگاری زناشویی در تعاملات زوجی چیست؟

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش کیفی و اکتشافی بود. در این پژوهش به منظور بررسی عوامل موثر بر ناسازگاری زناشویی در تعاملات زوجی از روش کیفی و از نوع تحلیل تماتیک یا تحلیل مضمون استفاده شد. در پژوهش‌های کیفی به مطالعه امور طبیعی زیستی پرداخته می‌شود و ماهیت واقعی پدیده‌ها از منظر افراد تفسیر می‌گردد (اسپینا، دودج، گوسو، میتری، رایز و اسپچل، ۲۰۰۴). نمونه‌ها به شیوه داوطلب - هدفمند انتخاب شدند، جامعه آماری کلیه زوجین شهر یاسوج را شامل می‌شد از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. ملاک ورود نمونه‌ها داشتن نمره ناسازگاری بالا در پرسشنامه سازگاری زناشویی (لاک والاس، ۱۹۵۹) بود. در ابتدای کار تاکید بر پر کردن پرسشنامه به صورت زوجی بود، هم شوهر و هم همسر

از این کار پژوهشی توجیه شده بودند. معیار ورود به پژوهش داشتن نمره ناسازگاری زناشویی بالا و گذشتن حداقل ۷ سال از زندگی مشترک آنان و ملاک خروج نمونه از پژوهش عدم همکاری و یا نمره بالا در سازگاری زناشویی بوده است. شرکت کنندگان از بین کسانی انتخاب شدند که حداکثر نمره ۷۰ در پرسشنامه زناشویی داشتند. برای انجام تحقیق ابتدا ملاحظات اخلاقی در نظر گرفته شد. پس از برقراری ارتباط و کاهش حساسیت مشارکت کنندگان راجع به روش کسب اطلاعات و دلایل انتخاب آن‌ها در نمونه، توضیحات لازم در مورد نحوه ی روند پژوهش و کسب اطلاعات ارائه گردید. برای آنان هدف از پژوهش توضیح داده شد.

ابزار پژوهش

۱. **مصاحبه نیمه‌ساختار یافته.** به منظور گرد آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختار یافته عمیق استفاده شد. سوالات مصاحبه بر اساس تجارب موجود و مرتبط با بررسی علل ناسازگاری زناشویی آماده شد. پس از بررسی توسط سه متخصص و یک ارزیاب اولیه در یک مصاحبه مقدماتی مورد استفاده قرار گرفت. در ابتدا سه مصاحبه بصورت آزمایشی انجام گرفت هنگامی که تسلط حاصل گردید مصاحبه‌های اصلی انجام شد. بعد از اعلام رضایت کتبی مصاحبه‌ها آغاز گردید. مصاحبه نیمه ساختار یافته عمیق با یک سری سوالات دموگرافیک شروع و بعد با سوالات باز (برای نمونه: آیا در زندگی زوجی ناسازگاری داشتید؟ علل این ناسازگاری را در چه می‌دانید؟ ...) ادامه یافت. در جاهایی که ابهامی وجود داشت با ذکر مثال‌هایی واضح توضیح بیشتری در خواست می‌کردیم. هنگامی که از یک مصاحبه شونده اطلاعات جدیدی بدست می‌آمد چنانچه مصاحبه شونده بعدی به آن اشاره نمی‌کرد به عنوان سوال مطرح می‌شد تا مشخص شود در مورد آنان صدق می‌کند یا خیر. در این مدت بارها به شرکت کنندگان مراجعه مجدد صورت گرفته است تا ابهامات احتمالی در متن و چگونگی نظر مصاحبه شونده بصورت شفاف و بدون سوگیری احتمالی در تحلیل و فرایند تحقیق آورده شود. مصاحبه‌ها با ۲۰ نفر از زوجین به درجه اشباع یا غنای لازم رسید. ابتدا مصاحبه‌ها ضبط گردید و پس از آن متن مصاحبه‌ها روی کاغذ پیاده شد. عبارات و جملات مهم تعیین شده و کدهای اولیه تنظیم گردید و مورد بازخوانی قرار گرفتند. سپس بر اساس معنای کشف شده از جملات و عبارات، کدهایی که با هم شباهت داشتند در هم ادغام گردید. بعد از چندین بار واریسی و باز خوانی مقوله‌های اصلی و فرعی، مشخص گردیدند. آنگاه مفاهیم و کدها استخراج گردید. برای سهولت در کار و افزایش دقت از نرم افزار MAXQDA 2018 استفاده شده است. در این مطالعه یافته‌های جدیدی در سه مصاحبه آخر حاصل نشد. داده‌ها در طول مدت ۷ ماه جمع آوری گردید. طول مدت زمان انجام هر مصاحبه بین ۴۰ تا ۶۰ دقیقه بود.

مواد و مطالبی که مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت عبارت بود از رونوشت‌های حاصل از مصاحبه‌ها و یادداشت‌های برداشته شده در خلال یا بعد از مصاحبه‌ها. به منظور اطمینان از اینکه رونوشت‌ها منعکس کننده متن نوشته باشد، مصاحبه‌ها کلمه به کلمه واریسی شد. بعد از خوانش نخست، مطالب رونوشت برداری شده با مواد ضبط شده تطبیق داده شد. علاوه بر این کار رونوشت برداری هرچه سریعتر بعد از اتمام مصاحبه صورت گرفت تا مطالب بیان شده در مصاحبه‌ها و زبان بدن شرکت کنندگان بهتر یاد آورده شود. رونوشت برداری کلمه به کلمه و بلافاصله بعد از اتمام مصاحبه‌ها در تلاش برای انطباق هر چه بیشتر تبدیل گفتارهای شفاهی به متن نوشتاری و مکتوب بود.

جهت افزایش صحت و استحکام داده‌ها و برای اعتبار سنجی یافته‌ها از روش کوبا و لینکلن (۱۹۹۴) استفاده شد. در این روش داده‌ها در چهار محور بررسی می‌شوند. محور ارزش واقعی، کاربردی بودن، تداوم و مبتنی بر واقعیت بودن. برای بررسی ارزش واقعی بودن پس از شناسایی مولفه‌ها به مصاحبه شونده‌ها رجوع شد و آن‌ها مقوله‌های استخراج شده را تایید کردند. برای بررسی کاربردی بودن سه مصاحبه شونده دیگر دوباره مورد مصاحبه قرار گرفتند و همان داده‌ها بدست آمد. برای ارزیابی ثبات و تداوم نیز سوالات مشابه در شکل‌های مختلف برای مصاحبه شونده‌ها مطرح شد که آن‌ها نیز پاسخ‌های قبلی خود را دادند. در آخر برای بررسی مبتنی بر واقعیت بودن پژوهش نیز کد گذاری توسط سه متخصص دیگر نیز مورد تایید قرار گرفت.

یافته‌ها

در این پژوهش ۲۰ نفر زوج متاهل مورد بررسی قرار گرفتند که اطلاعات جمعیت شناختی آن‌ها در جدول یک گزارش شده است.

جدول ۱. مشخصات و داده‌های جمعیت شناختی شرکت کنندگان در پژوهش

ویژگی	طبقات	تعداد	درصد	طبقه	مدت ازدواج	تعداد	درصد
تحصیلات	دیپلم و پایین تر	۲	۱۰	طول	۷ سال تا ۱۵ سال	۱۴	۷۰
	لیسانس	۱۲	۶۰	مدت ازدواج	۱۵ تا ۲۰ سال	۲	۱۰
	تکمیلی	۶	۳۰		۲۰ سال به بالا	۴	۲۰
	جمع	۲۰	۱۰۰		جمع	۲۰	۱۰۰
ویژگی	طبقات	تعداد	درصد	طبقه	تعداد فرزند	تعداد	درصد
سن	۲۰-۳۰	۱	۵	تعداد	۱-۰	۲	۱۰
	۳۰-۴۰	۷	۳۵	فرزندان	۲	۵	۲۵
	۴۰ به بالا	۱۲	۶۰		بیش از ۲ فرزند	۱۳	۶۵
	جمع	۲۰	۱۰۰		جمع	۲۰	۱۰۰

از نظر جمعیت شناختی تعداد ۲۰ نفر از زوجین متاهل در این پژوهش شرکت کردند که از نظر تحصیلات ۳۰ درصد شرکت کنندگان دارای تحصیلات تکمیلی، ۶۰ درصد دارای لیسانس و ۱۰ درصد هم دیپلم و پایین تر بودند. از نظر طول مدت ازدواج ۷۰ درصد شرکت کنندگان بین ۷ تا ۱۵ سال و ۱۰ درصد آنان بین ۱۵ تا ۲۰ سال و ۲۰ درصد آنان بالای ۲۰ سال تجربه زناشویی داشتند. از نظر شرایط سنی ۶۰ درصد شرکت کنندگان بالای ۴۰ سال و ۳۵ درصد آنان ۳۷ سال و ۵ درصد آنان حداقل ۲۵ سال سن داشتند. از نظر تعداد فرزند ۶۵ درصد شرکت کنندگان بیشتر از دو فرزند و ۲۵ درصد آنان دارای ۲ فرزند و ۱۰ درصد حداقل ۱ فرزند داشتند؛ یافته‌های حاصل از کد گذاری و مقوله بندی شده و شرح آن در جدول زیر آمده است:

جدول ۲. گویه‌ها (نمونه مصاحبه‌های) کمبود مهارت‌های ارتباطی

گویه (نمونه مصاحبه‌ها)	سند	مقوله فرعی	مقوله اصلی	مقوله مرکزی	درصد

خیلی دلسرد بر خورد می‌کردیم از چهره اش مشخص بود.	۱۲	عدم	عدم	عدم	کمبود	۹۴٪
از همان ابتدای رفتارش خواستیم از هم جدا شویم ولی نشد.	۱۴	درک	درک	هماهنگی	مهارت‌های	
تنش‌های درون خانوادگی هر روز بیشتر و بیشتر می‌شد و شوهرم هیچ وقت در کم نمی‌کرد.	۸	اسرد	رفتار	ارتباطی		
فعلا با همیم اما بی همیم احساس تنهایی می‌کنم.	۵	احساس	مزاجی/ کلامی	و غیر		
این تنش‌های کلامی همیشگی من رو نسبت به همسر دلسرد و دور کرده بود.	۶	عدم	ضعف	مهارت		
هیچ وقت نشد یک کلام با هم صحبت کنیم	۸	نشنیدن	گفت گو	گفتگو		
ارتباط خانمم با خانواده ام بسیار کم رنگ است.	۹					
هر چند سالی یک بار خانواده همسر رو می‌بینم و باهاشون ارتباطی ندارم.	۱					
من چندین جلسه در همان شروع زندگی قهر کردم. (منزل را ترک کردم)	۲۰	قهر	مرزهای	مبهم		
خانم من قهر کرد و تا دو هفته به خانه برنگشت. به نحوی که منزل را ترک کرده است.	۱۸	افزار از منزل/ سرد				
بیشتر اوقات در خانه قهر میکنه و به خونه اقوام میره. (منزل را ترک کردم)	۲۰	برخورد				
بعضی مواقع خوب و بعضی مواقع بد است چندین بار روی چندین کار کوچک قهر کرد به خانه پدری رفت. انگار در رابطه بسیار سرد است.	۱۶	کردن				
در گفتگوی بین خانواده بیشتر اوقات سکوت میکنه.	۲۰	بی	ضعف			
سکوت او من را ناراحت میکنه.	۱۴	اعتنایی	مهارت			
اصلا حرفهای من رو نمی‌شنید.	۱۷	نبودن				
مشکلات ما عمدتاً بر روی حرف نشنوی همدیگر شروع شد.	۲۰	اسکوت				
شاید بزرگترین مشکل خانواده‌ها این است که از همه حرف شنوی ندارند همدیگر را نمی‌شنوند همین عامل باعث می‌شود که کم کم از هم دور شوند و اختلافات شروع بشه.	۱۲	عدم حرف شنویی				

همچنان که در جدول ۲ مشاهده می‌شود تعداد ۹۴ درصد شرکت کنندگان به مقوله‌های عدم هماهنگی رفتار کلامی و غیر کلامی، ضعف مهارت‌های گفتگو، مرزهای مبهم، ضعف مهارت‌های شنیداری در روابط زناشویی اشاره کردند.

جدول ۳. گویه‌ها (نمونه مصاحبه‌های) نفوذ ناپذیری

گویه (نمونه مصاحبه‌ها)	سند	مقوله فرعی	مقوله اصلی	مقوله مرکزی	درصد
حتی از کارهایی که یک شوهر باید انجام بدهد فراموشی کند.	۱۹				۸۰٪

۷ بررسی علل ناسازگاری زناشویی در تعاملات زوجی (مطالعه کیفی) | روزیان و همکاران | خانواده درمانی کاربردی

مثلا خودم اجازه ی خانه رو به صاحب خونه میدم شوهر	۲	عدم مسولیت پذیری	عدم	نفوذ
اصلا تو این فکرها نیست.		عدم همراهی کردن	انعطاف	ناپذیری
به او بگویم انجام نمیده کل خرید خونه رو من انجام میدم.	۷	خشک	برخورد	پذیری
چون مدت زیادی همه مسولیتها به گردن خانمم بود من	۱۴	کردن		
درگیر کار نمی شدم.				
دستش و دلش به کار بسیار سرده اما نظم خشکی داشت.	۱۹			
در حل مشکلات هماهنگی نمی شد.	۱۱	عدم	عدم	
بقول بزرگترها بردد هم نمی خوردیم. چون توافق درحل	۹	هماهنگی/ناهمسویی	توافق	
مسایل نبود.		عدم	مشارکت	
به نظر می رسید ما شریک هم نبودیم.	۱	پذیری/		
همیشه من کوتاه می آمدم چون بهانه گیری می کرد.	۷	عدم تفاهم		
در بعضی مسائل خیلی حرف خودشان را قبول دارند.	۱۸	از خود راضی بودن/	تکبر	
غرور مردانه من اجازه نداد که کوتاه بیایم.	۹	غرور داشتن/	ورزیدن	
او فردی خود رای مغرور یا از خود راضی است.	۱۶	لجبازی کردن /		
حرف خودش را بارها تکرار می کرد.	۱۷	یک دندگی		
گفتگوداشتیم اما در آخر کار خودشان را انجام می دادند.	۱۶			
شوهرم بعضی وقتها در بعضی مسائل خیلی به دنده	۲۰			
هستند.				

همچنان که در جدول ۳ مشاهده می شود تعداد ۸۰ درصد شرکت کنندگان در مصاحبه ها به مقوله های عدم انعطاف پذیری، عدم توافق، تکبر ورزیدن در روابط زناشویی اشاره نمودند و معتقدند که نفوذناپذیری از علل ناسازگاری زناشویی است.

جدول ۴. گویه ها (نمونه مصاحبه های) نبود مرزبندی با خانواده

گویه (نمونه مصاحبه ها)	سند	مقوله فرعی	مقوله اصلی	مقوله مرکزی	درصد
من وقتی میخوام برم خونه به اولین چیزی که فکر می کنم دخترم	۹	عدم صمیمت	مثلث	نبود	۸۰٪
هست که چقد دلتنگش شدم.		بین زوجین	سازی	مرزبندی	
من به فکر آینده فرزندانم هستم.	۱۸	اولویت دادن		با	
قبل از هر چیز فرزندان در اولویت بودند.	۲	به فرزند /		خانواده	
البته چندین بار گفته که همه این فشارها رو برای بچه هامون	۹	توجه افراطی		اصلی	
تحمل می کنه.		به فرزندان			
بیشتر به عشق بچه هام ماندم و ادامه می دهم.	۴	مچ گیری	محکوم		
آماده بودیم برای محکوم کردن همدیگر.	۱۶	کردن/	کردن		
بیشتر اوقات همدیگر سرزنش می کردیم.	۱۴	محکوم کردن			
این محکومیتها و قضاوتها منتهی به دلخوری ما می شد.	۹	سرزنش			
شوهر من را محکوم کرد و من هم شوهر را محکوم کردیم	۹	کردن			
علل این مشکلات به مادر ایشون بر می گشت.	۲۰				

۱۸	نقش دیگران	مداخله	اما به تاکید خانواده راضی به ازدواج با آنها شدم.
۱۴	نقش کردن والدین	/	این مشکلات را هم پدر ومادرشون بوجود آوردند اینها با ما زندگی می‌کنند.
۶			همش برمبگرده به خانواده اصلی که ثروتمند بودند و برای فرزندشون اصلا تحصیل اهمیت نداشت همه چیز در پول خلاصه می‌شد.
۱			مشکل تربیت فرزندان ما این است که بیشتر بر سر چند راهی قرار می‌گیرند.

همچنان که در جدول ۴ مشاهده می‌شود تعداد ۸۰ درصد شرکت کنندگان در مصاحبه‌ها خود به مقوله‌های مثلث سازی، محکوم کردن، مداخله کردن در امور خانواده اشاره نمودند و معتقدند که یکی از علل ناسازگاری خانوادگی دخالت سایر اعضا خانواده است.

جدول ۵. گویه‌ها (نمونه مصاحبه‌های) عوامل اقتصادی

گویه (نمونه مصاحبه‌ها)	سند	مقوله فرعی	مقوله اصلی	مقوله مرکزی	درصد
یارانه در حساب خودش بود به من توجهی نداشت هر جور دلش می‌خواست ولخرجی می‌کرد.	۲۰	ولخرجی	مشکلات مالی	عوامل اقتصادی	۸۰٪
شوهرم بیکار بود و همین امر باعث نگرانی شده بود.	۲	بی پولی			
تمامی مشکلاتی که ما داشتیم از سر بی پولی بود.	۷	بیکاری			
درآمد خیلی کمی داره و روزانه حقوق می‌گیره.	۹				
اقتصاد هم از لحاظ زندگی و هم از لحاظ دینی خیلی مهم است	۳				
از یک طرف مشکلات اقتصادی و گرون بودن دارو باعث شد تا ما مشکلاتمون رو در بیشتر اوقات با داد و فریاد حل کنیم.	۲۰				
از ما هزینه‌های سنگینی هم گرفتند مثل مهریه سنگین و قباله‌های بزرگ.	۱۲	مشکلات چک‌ها / سنگین	مهریه		
شاید دلیل مشکلات عمده ما همین پرداخت نشدن چک‌ها باشد چه از نظر اقتصادی فشار زیادی را به ما وارد می‌کند چون مهریه را به اجرا گذاشته.	۱۴	قباله‌های بزرگ / پرداخت			
ماهانه مهریه پرداخت می‌کنم.	۳	مهریه			
ماهی نیم سکه بابت مهریه به دادگاه پرداخت می‌کنم.	۸				
افزایش قیمت‌ها سرسام آور بود و ما هر وز درگیر بودیم.	۱۶	افزایش قیمت‌ها	تورم		
بیشتر مشکلات بر سر قیمت اجناس بود.	۱۱				
از ترس قیمت‌ها برای خرید امروز وفردا می‌کردیم.	۴	نرخ تورمی			
فشار تورم بازار بر زندگی ما خیلی اثر گذاشت.	۱۸	بازار			
به نظرم بیشتر اختلافات ما با نرخ کالاها افزایش داشت.	۱	اختلاف قیمت‌ها			
بازار واقعا بی سراسیمه وبی رویه بالا رفت وبر تنش‌هاها اثر داشت	۳				

همچنان که در جدول ۵ مشاهده می‌شود تعداد ۸۰ درصد شرکت کنندگان در مصاحبه‌ها خود به مقوله‌های عوامل اقتصادی، مشکلات مالی، مهریه سنگین، تورم به عنوان عوامل تاثیر گذار بر ناسازگاری اشاره کردند.

جدول ۶. گویه‌ها (نمونه مصاحبه‌های) ناارزنده سازی

گویه (نمونه مصاحبه‌ها)	سند	مقوله فرعی	مقوله اصلی	مقوله مرکزی	درصد
از همان ابتدای زندگی هر کاری انجام می‌دادم کم ارزش بود	۲	اهمیت	کم		۷۵٪
بیشتر اوقات به من می‌گفت درخانه چه کار میکنی.	۱۸	قابل	ارزش	ناارزنده	
در میهمانی‌ها خیلی اهمیت به ما نمی‌داد.	۱۱	نشدن/	دانستن	سازی	
از خودم راضی نیستم.	۱۹	توجه			
اگه دوباره بر گردم به زندگی هرگز این راه را انتخاب نمی‌کنم.	۱۳	نکردن			
همیشه بعضی کارهایش روی اعصابم بود.	۱		عدم		
مقداری غرورداشت و از تکبر او تنفر داشتم و بیشتر اوقات آنچه می‌گفت عمل نمی‌کردم.	۶		پذیرش		
از خود راضی نیستم	۱۹				
در انجام کارها او هیچ تشکری نداشت انگاروظیفه بود.	۱۰				
همسرم رو به خاطر شرایطی که در اون قرار داشتیم می‌کردم.	۱۶	محکوم	قضاوت		
عمدتا کار او مقایسه کردن بود	۱۴	کردن/	کردن		
در اوایل ازدواج که بچه نداشتیم عدم وجود بچه لحظاتی بود که همدیگر را مقایسه	۲	مقایسه			
را مقایسه می‌کردیم بیشتر خانواده‌ها اصلی در گیر بودند		کردن/			
این محکومیت‌ها و قضاوت‌ها منتهی به دلخوری ما می‌شد	۹	قضاوت			
شوهر من را محکوم کرد و من هم شوهر را محکوم کردیم	۹	کردن			

همچنان که در جدول ۶ مشاهده می‌شود تعداد ۷۵ درصد شرکت کنندگان در مصاحبه‌ها خود به مقوله ناارزنده سازی و مقوله‌های فرعی کم ارزش دانستن، عدم پذیرش، قضاوت کردن به عنوان عوامل تاثیر گذار بر ناسازگاری اشاره کردند.

جدول ۷. گویه‌ها (نمونه مصاحبه‌های) عدم تحمل پریشانی

گویه (نمونه مصاحبه‌ها)	سند	مقوله فرعی	مقوله اصلی	مقوله مرکزی	درصد
او هم خودش و خودش را پرخاشگری داشت.	۱۴	پرخاشگری/	عدم	عدم	۶۵٪
با پرخاشگری شوهرم روبرو می‌شدم	۱۹	ابراز خشم/	کنترل	تحمل	
شوهرم تند مجاز عصبی است.	۲۰	بحث و جدل /	خشم	پریشانی	
خصوصا زمانی که با هم بحث می‌کنیم کاملا از کوره در میرم.	۴	دعوا کردن			
زودرنج عصبی و مغرور بودم حرف حرف خودم بود	۱۹				
من و همسرم مدام دعوا می‌کنیم.	۳	یارگیری /دعوای	احساسی		
هر روز یک دعوای حساسی بین فرزند و نامادری اش رخ می‌داد.	۴	خانوادگی /	عمل کردن		
دعوا به زد و خورد‌های محلی تبدیل شد	۶	عجول بودن			

۲	ما عادت کرده بودیم به دعوای خانوادگی.
۱۰	فورا جواب مثبت دادم یعنی یک تصمیم کاملا عجولانه گرفتم.
۱۱	از ابتدا از او خوشم نیومد.
۱۸	رفتارش زمینه تنفر را بوجود آورد.
۱۵	از خانواده اش متنفر بودم.
۶	با او که حرف می‌زد حس خوبی نداشتم
۳	در رابطه دچار نوعی دلزدگی بودم.
۴	بی دلیل انگار از او کینه داشتم.

همچنان که در جدول ۷ مشاهده می‌شود تعداد ۶۵ درصد شرکت کنندگان در مصاحبه‌ها خود به مقوله‌های عدم کنترل خشم، احساسی عمل کردن، نفرت داشتن یعنی عدم تحمل پریشانی اشاره نمودند و معتقدند که یکی از علل ناسازگاری زناشویی عدم تحمل پریشانی و هیجانات زوجین است.

جدول ۸. گویه‌ها (نمونه مصاحبه‌های) ازدواج اجباری

گویه (نمونه مصاحبه‌ها)	سند	مقوله فرعی	مقوله اصلی	مقوله مرکزی	درصد
برای ازدواج ما نظر عرف، اقوام مهم بود آن‌ها یکدیگر را می‌دیدند.	۳	توجه	پابندی	ازدواج	۶۰٪
با فرهنگ شهر آشنایی نداشت بیشتر آداب اجتماعی را نمی‌دانست.	۱۱	به عرف	به روابط	اجباری	
از عرف و سنت‌های گذشته امروز نباید مردم به قبیله‌ای خود بنازند.	۶	/ سنت	قبیله		
ازدواج ما یک ازدواج فامیلی و بر پایه مسائل عرفی و منطقه‌ای بود.	۱۶	/	ای		
در قدیم اکثر خواستگاری‌ها از طریق ریش سفیدان و کدخداهای محلی تصمیم گرفتند.	۱۲	تقلید	فامیل/		
ازدواج ما یک ازدواج فامیلی و بر پایه مسائل عرفی و منطقه‌ای بود.	۱۴	مسایل	فامیلی/		
ما با تاکید خانواده راضی به ازدواج شدیم.	۶	ازدواج	پابندی		
ازدواج ما به روش سنتی بود.	۲	در سن	به آداب		
ما قبل از ازدواج هیچ شناخت کلی یا جزئی نسبت به هم نداشتیم و یک ازدواج سنتی بود.	۳	پایین	و رسوم		
ازدواج ما فامیلی بود همسر از نزدیکان ما بود و ارتباطات فامیلی داشتیم.	۱				
از قدیم الایام از کوچکی اسم دختر را به روی یک پسر نامگذاری می‌کردند.	۱۸				
ما بخاطر محدودیت‌های قومی و قبیله‌ای ازدواج کردیم.	۹				
در قدیم اکثر نامزدها و خواستگاری‌ها سنتی بوده.	۵				
من اصلا در انتخاب همسر دخالت نداشتم.	۴				
چالشی که ما داریم این است که ما حرف علمی می‌زنیم و خانم حرف سنتی می‌زند.	۷				
ازدواجمون سنتی بود.	۱۶				

همچنان که در جدول ۸ مشاهده می‌شود تعداد ۶۰ درصد شرکت کنندگان در مصاحبه‌ها خود به مقوله‌های ازدواج اجباری، پابندی به روابط قبیله‌ای و پابندی به آداب و رسوم اشاره نمودند و معتقدند که یکی از علل ناسازگاری زناشویی ازدواج تحمیلی است؛ همانطور که در جداول بالا مشاهده می‌شود در نتیجه تحلیل مصاحبه‌های صورت گرفته با زوجین دارای ناسازگاری بالا در مرحله کدگذاری اولیه ۶۲ مقوله اولیه و در مرحله دوم ۲۲ مقوله فرعی و در نهایت ۷ مقوله اصلی به دست آمده است.

۱- کمبود مهارت‌های ارتباطی: یکی از مقوله‌های اصلی ناسازگاری در تعاملات زوجین که اکثریت افراد قریب به ۹۴ درصد به آن اشاره کردند کمبود مهارت‌های ارتباطی است. این مقوله اصلی از ۴ مقوله فرعی تشکیل شده است که به شرح زیر می‌باشد:

۱-۱ عدم هماهنگی رفتار کلامی و غیر کلامی: یکی از مقوله‌های فرعی در کمبود مهارت‌های ارتباطی دلسردی از زندگی است همین امر باعث شده است ارتباط زوجین با مشکل مواجه شود به عنوان مثال مصاحبه شونده کد ۱۲ گفت: خیلی دلسرد برخورد می‌کرد از چهره اش مشخص بود.

۱-۲ ضعف مهارت گفتگو: یکی دیگر از مقوله‌های فرعی در کمبود مهارت ارتباط در تعاملات زوجین ضعف مهارت گفتگو است. به عنوان مثال مصاحبه شونده شماره ۸ گفت: هیچ وقت نشد یک کلام خوب با هم صحبت کنیم.

۱-۳ مرزهای مبهم: یکی دیگر از مقوله‌های فرعی در کمبود مهارت ارتباط مرزهای مبهم است به نحوی که مرزها یا خیلی سخت و سفت هستند یا نا منظم به نظر می‌رسند. در این مورد مصاحبه شونده شماره ۱۶ گفت: بعضی مواقع خوب و بعضی مواقع بد است به نحوی که چندین بار روی چندین کار کوچک قهر کرد به خانه پدری رفت. انگار در رابطه بسیار سرد است.

۱-۴ ضعف مهارت‌های شنیداری: هرچه مهارت شنیداری ضعیف تر باشد ارتباط با مشکلات بیشتری همراه است همین امر سبب می‌شود که در سازگاری زناشویی اختلال ایجاد شود. مصاحبه شونده شماره ۵ گفت: هر حرفی من می‌زدم او یک شنونده خوبی نبود.

۲- نفوذ ناپذیری: نفوذ ناپذیری یکی از مقوله‌های مهم در ناسازگاری زناشویی و تعاملات زوجی است به نحوی که تعداد ۸۰ درصد از مصاحبه شوندگان به این مقوله اشاره داشتند و آن را در ناسازگاری زوجی مهم می‌دانند این مقوله اصلی شامل ۳ مقوله فرعی زیر است:

۲-۱ عدم انعطاف پذیری: میزان عدم انعطاف پذیری در روابط، بر سطح ناسازگاری در تعاملات زوجی نقش مهمی دارد به طوری که مصاحبه شونده شماره ۱۹ گفت: دستش و دلش به کار بسیار سرده اما نظم خشکی داشت.

۲-۲ عدم توافق: هرچه میزان عدم توافق بیشتر باشد میزان ناسازگاری افزایش پیدا می‌کند به نحوی که مصاحبه شونده شماره ۱ گفت: بقول بزرگترها بدرم هم نمی‌خوردیم. چون توافق در حل مسایل نبود.

۲-۳ تکبر ورزیدن: در تعاملات زوجی تکبر ورزیدن باعث افزایش سطح ناسازگاری می‌شود به طوری که مصاحبه شونده شماره ۱۶ گفت: او فردی خود رای مغرور یا از خود راضی است.

۳- نبود مرزبندی با خانواده اصلی: یک از مهمترین مقوله‌های اثر گذار در ناسازگاری زناشویی نبود مرزبندی با خانواده اصلی است به نحوی که ۸۰ درصد مصاحبه شونده‌گان به آن اشاره کردند. این مقوله اصلی از سه مقوله فرعی تشکیل شده است که شرح زیر می‌باشد:

۱-۳ مثلث سازی: در تعاملات زوجی هرچه مثلث سازی بیشتر باشد میزان ناسازگاری بیشتر است در باره این مقوله مصاحبه شونده شماره ۹ گفت: من وقتی میخام برم خونه به اولین چیزی که فکر می‌کنم دخترم هست که چقد دلتنگش شدم.

۲-۳ محکوم کردن: محکوم کردن همدیگر و مچ گیری کردن مقوله دیگری است که در ناسازگاری نقش دارد مصاحبه شونده شماره ۲ در خصوص این مقوله گفت: در اوایل ازدواج که بچه نداشتیم عدم وجود بچه لحظاتی بود که همدیگر را محکوم می‌کردیم بیشتر خانواده‌ها اصلی در گیر بودند.

۳-۳ مداخله کردن: دخالت سایر افراد در امور خانواده یکی از مقوله‌های مهم در ناسازگاری زوجین است هرچه این دخالت‌ها بیشتر باشند میزان ناسازگاری بیشتر است. در باره این مقوله مصاحبه شونده شماره ۱ گفت: چیزی که ضربه می‌زند به حیثیت خانواده و به تربیت چندگانه دامن می‌زند دخالت والدینم در تربیت فرزندان ما است بچه‌های ما بیشتر بر سر چند راهی قرار می‌گیرند.

۴- عوامل اقتصادی: یکی از مقوله‌های اصلی در ناسازگاری زناشویی عوامل اقتصادی است به نحوی که ۸۰ درصد مصاحبه شونده‌گان به این مقوله مهم اشاره کردند. این مقوله اصلی از سه مقوله فرعی زیر تشکیل شده است:

۱-۴ مشکلات مالی: مشکلات مالی در تعاملات زوجی بر میزان ناسازگاری اثر گذار است در این خصوص مصاحبه شونده شماره ۲۰ گفت: یارانه در حساب خودش بود به من توجهی نداشت هر جور دلش می‌خواست ولخرجی می‌کرد.

۲-۴ مهریه سنگین: میزان مهریه سنگین بر ناسازگاری زناشویی اثر گذار است اگر این مهریه به اجرا گذاشته شود پرداخت آن خانواده را دچار مشکلات دیگری خواهد کرد؛ در این خصوص مصاحبه شونده شماره ۱۴ گفت: شاید دلیل مشکلات عمده ما همین پرداخت نشدن چک‌ها باشد چه از نظر اقتصادی فشار زیادی را به ما وارد می‌کند چون مهریه را به اجرا گذاشته.

۳-۴ تورم: تورم مقوله دیگری است که بر میزان ناسازگاری در تعاملات زوجی اثر گذار است به نحوی که مصاحبه شونده شماره ۱۸ گفت: فشار تورم بازار بر زندگی ما خیلی اثر گذاشت.

۵- نازلنده سازی: یکی از مقوله‌های اصلی که بر میزان ناسازگاری اثر گذار است نازلنده سازی است به نحوی که قریب ۷۵ درصد از مصاحبه شونده‌گان به این مقوله اشاره کردند. این مقوله اصلی از سه مقوله فرعی است تشکیل شده است:

۱-۵ کم ارزش دانستن: در تعاملات زوجی کم ارزش دانستن فعالیت‌های زوجین بر میزان ناسازگاری تاثیر می‌گذارد در خصوص این مقوله مصاحبه شونده شماره ۱۳ گفت: دستم انگار نمک نداشت.

۲-۵ عدم پذیرش: عدم پذیرش مقوله دیگری است که بر میزان ناسازگاری موثر است هر چه میزان این مقوله بیشتر باشد میزان ناسازگاری بیشتر است.

۳-۵ قضاوت کردن: قضاوت کردن همدیگر در چالشهای زندگی مقوله دیگری است که بر میزان ناسازگاری موثر است در این خصوص مصاحبه شونده شماره ۹ گفت: این محکومیتها و قضاوتها منتهی به دلخوری ما می‌شد.

۶-عدم تحمل پریشانی: عدم تحمل پریشانی یکی از مقوله‌های اصلی در ناسازگاری زناشویی است به طوری که ۶۵ درصد مصاحبه شوندگان به این مقوله اصلی اشاره کردند. این مقوله اصلی از سه مقوله فرعی است تشکیل شده است:

۱-۶ عدم کنترل خشم: عدم مدیریت و کنترل خشم یکی از مقوله‌های مهم تاثیر گذار بر ناسازگاری زناشویی است. در این خصوص مصاحبه شونده شماره ۱۹ گفت: با پرخاشگری شوهرم روبرو می‌شدم و تا جایی که به شکستن وسایل خونه رو می‌آورد.

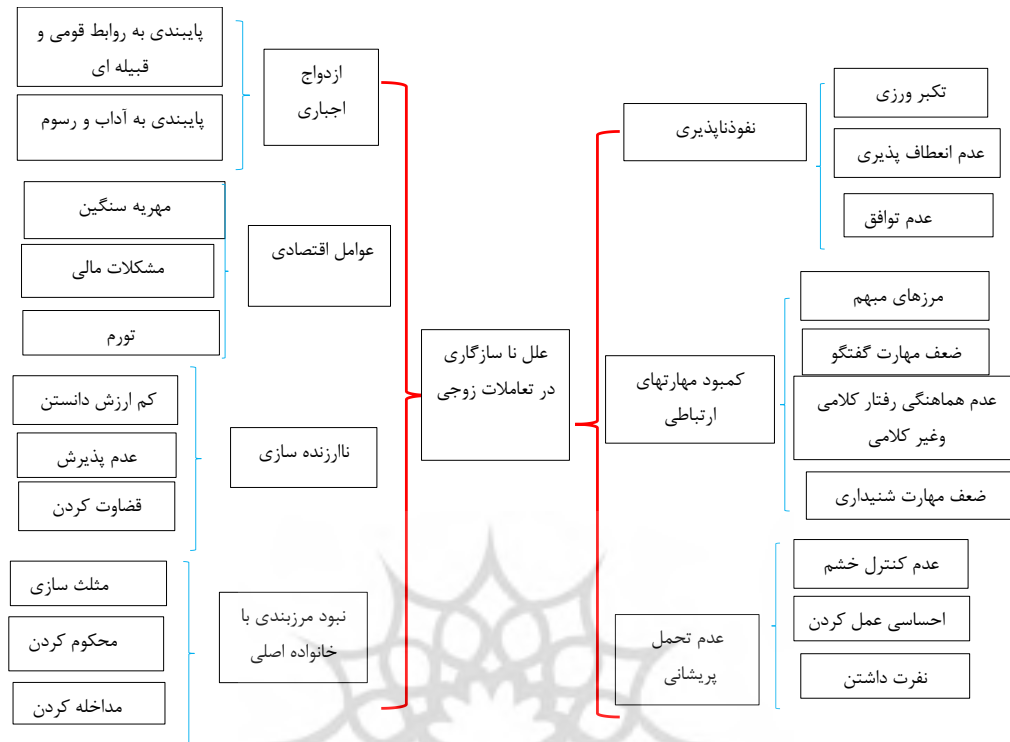
۲-۶ احساسی عمل کردن: یکی دیگر از مقوله‌های تاثیر گذار بر میزان ناسازگاری احساسی عمل کردن است. در این خصوص مصاحبه شونده شماره ۳ گفت: من و همسرم مدام بر سر مسائلی که یک زن و شوهر عادی درموردش بحث نمی‌کنند دعوا می‌کنیم.

۳-۶ نفرت داشتن: نفرت داشتن در تعاملات زوجی بر میزان ناسازگاری موثر است در خصوص این مقوله مصاحبه شونده شماره ۱۵ گفت: از خانواده اش متنفر بودم.

۷- ازدواج اجباری: ازدواج اجباری یکی از مقوله اصلی در ناسازگاری زناشویی است. در خصوص این مقوله اصلی حدود ۶۰ درصد مصاحبه شوندگان به این مقوله مهم اشاره کردند. این مقوله اصلی از دو مقوله فرعی زیر تشکیل شده است:

۱-۷ پایبندی به روابط قومی و قبیله‌ای: یکی از مقوله‌های مهم در ناسازگاری زناشویی پایبندی به روابط قومی و در نظر گرفتن قبیله‌ها است. در این خصوص مصاحبه شونده شماره ۱۲ گفت: در قدیم اکثر خواستگاری‌ها بر پایه مسائل عرفی بوده و اما چون همسایه بودیم از طریق ریش سفیدان و کدخداهای محلی تصمیم گرفتند.

۲-۷ پایبندی به آداب و رسوم: یکی دیگر از مقوله‌های مهم تاثیر گذار بر ناسازگاری زناشویی پایبندی به آداب و رسوم بود. در این باره این مقوله مصاحبه شونده شماره ۱۸ گفت: شاید قصه ازدواج ما عجیب و غریب باشد اما واقعیت دارد از قدیم الایام از کوچکی اسم دختر را به روی یک پسر نامگذاری می‌کردند. با این توصیف می‌توان مقوله‌های اصلی و فرعی را به صورت زیر نمایش داد:



شکل ۱. مدل نهایی پژوهش

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی علل ناسازگاری در تعاملات زوجی صورت گرفت. بدین منظور زوجینی که میزان ناسازگاری زناشویی آنان بالا بود با استفاده از روش کیفی مورد بررسی قرار گرفتند. همچنان که در شکل شماره (۱) نشان داده شده است، بر اساس یافته‌های پژوهش هفت مقوله اصلی بدست آمد که شامل: کمبود مهارت‌های ارتباطی، نفوذناپذیری، نبود مرزبندی با خانواده اصلی، عوامل اقتصادی، نارزنده سازی، عدم تحمل پریشانی، ازدواج اجباری می‌باشند. طی مصاحبه‌های انجام شده هنگامی که زوجین در پاسخ به سوالات هدفمند (از زندگی خود تعریف کنید... از روابط و تعاملات زناشویی را در چه می‌دانید...)) به توصیف زندگی خود می‌پرداختند به علل و عوامل ناسازگاری تعاملات اشاره می‌کردند همانطوری که در شکل شماره (۱) مشاهده می‌شود هنگامی ناسازگاری زناشویی در تعاملات زوجی زمانی افزایش پیدا می‌کند که زوجین با کمبود مهارت‌های ارتباطی مواجه شوند. در خصوص مقوله کمبود مهارت ارتباطی می‌توان گفت ارتباط مؤثر تنها مهارت لازم برای دوام ازدواج شناخته شده است (رئوس و همکاران، ۲۰۱۰). ناسازگاری‌ها خانواده در روابط اجتماعی معیوب است. حل مسایل خانواده وابسته به رفتارهای تعاملی سازنده است (نیولون، ۲۰۰۰). ناسازگاری همسران از آسیب‌های مهم در خانواده است. همسران ناسازگار از عادات و شخصیت همسر خود ناراضی بوده و در حوزه‌های گوناگون مشکل ارتباطی دارند. می‌توان ناسازگاری زناشویی را نوعی ارتباط نامناسب قلمداد کرد که باعث سردی روابط، بروز آشفتگی می‌شود (یلسین و کارهان، ۱۹۹۲). ناسازگاری و تعارضات زناشویی بسیار شایع است و علل تعارضات و ناسازگاری‌ها به عوامل اجتماعی و فرهنگی وابسته

است (تاسیو و جی تیون، ۲۰۲۱). در خصوص مقوله نفوذ ناپذیری (سایپتانو و گرینهوس، ۲۰۱۸) معتقدند نفوذ ناپذیری اعضای خانواده مرز و نقش خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهند. (بالبی، ۲۰۰۸) معتقد است که کیفیت رابطه در ناسازگاری زناشویی اثر گذار است. بدین معنی که روابط بی کیفیت و خشک علل ناسازگاری زناشویی است. (یالسن و کارهان، ۱۹۹۲) علل ناسازگاری زناشویی را به عدم توافق و عدم ارتباط مناسب می‌دانند. در خصوص مقوله نبود مرزبندی در خانواده اصلی (ریاحی و همکاران، ۱۳۸۵) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که متغیر دخالت دیگران برای طلاق در بین متغیرهای دیگر از سهم بیشتری برخوردار است. (مینوچین، ۱۹۸۵) معتقد است بسیاری از مسایل خانواده‌ها به مشکلات مرزهای بین زیر منظومه‌ها برمی‌گردد. نامشخص بودن مرز زیر منظومه‌های زن و شوهری یکی از علل اختلال در الگوی مرادیه‌ای است. در خصوص مقوله عوامل اقتصادی پژوهش نشان داده است که برای ایجاد رضایت زناشویی و سازگاری خانواده عوامل اقتصادی در اولویت هستند (زیتو و ایکسنو، ۲۰۲۱). علل عمده تعارضات خانواده مشکلات اقتصادی است (تاسیو و جی تیون، ۲۰۲۱). عدم تطابق اهداف با نیازها را علل تعارضات زناشویی است (نامدار پور، ۱۳۹۷). در خصوص مقوله نا ارزنده سازی پژوهش‌ها نشان دادند که ارزنده سازی در بین اعضا خانواده نوعی حمایت خانوادگی است و صمیمیت را افزایش می‌دهد (کلارک، ۲۰۱۵). مراقبت از فرزندان و توجه به آن‌ها بر سازگاری زناشویی اثر می‌گذارد (برین وینبرگر، ۱۹۹۵). در خصوص مقوله عدم تحمل پریشانی کاهش تاب آوری زنان و مردان، ناسازگاری زناشویی نیز افزایش می‌دهد (اوزدن و سلین، ۲۰۱۴). عدم مدیریت هیجان بالاخص استرس علل عمده تعارضات زناشویی است (تاسیو و جی تیون، ۲۰۲۱). در خصوص مقوله ازدواج اجباری: ازدواج اجباری باعث خیانت و افزایش ضرب و شتم. خانوادگی است. ازدواج اجباری نوعی خشونت جنسی است (طاهری، ۱۳۹۷). سازگاری زناشویی در گرو رضایت زناشویی است و عدم رضایت زناشویی ناسازگاری را تشدید می‌کند (بینگهام، ۱۹۹۶). خانواده اساس و شالوده زندگی فردی و اجتماعی است. ناسازگاری‌های زناشویی باعث بروز مشکلات خانواده هاست و علل عمده طلاق محسوب می‌شود؛ بنابراین مطالعه متغیر ناسازگاری در تعاملات زوجی از اهمیت خاصی برخوردار است. اگر مولفه‌های اصلی متغیر ناسازگاری مورد شناسایی قرار گیرند با شناخت بهتر این مولفه‌ها می‌توان زمینه را برای کاهش طلاق و پیشگیری از بروز مشکلات خانوادگی فراهم کرد. با توجه به یافته‌های پژوهش، ناسازگاری در تعاملات زوجی به مقوله‌های اصلی و فرعی وابسته است و این مقوله‌ها به عنوان عامل بوجود آورنده و تداوم دهنده عمل می‌کنند. ناسازگاری تعاملات زوجی بیشتر تابع کمبود مهارت‌های ارتباطی، نفوذ ناپذیری، نبود مرزبندی با خانواده اصلی، عوامل اقتصادی، نا ارزنده سازی، عدم تحمل پریشانی، ازدواج اجباری است. لذا به نظر می‌رسد ناسازگاری در مقابل سازگاری قرار دارد و در طول زندگی ایجاد می‌شود. ناسازگاری زناشویی در بعضی خانواده‌ها در ابتدای زندگی و در بعضی از خانواده‌ها در اواسط زندگی شدت بیشتری دارند. بنابراین زوجین قبل از ازدواج باید مولفه‌های اصلی ناسازگاری زناشویی را بشناسند و مهارت‌های ارتباطی لازم را آموزش ببینند. از مشاوره‌های قبل از ازدواج استفاده نمایند، مرزبندی‌های خود را با خانواده اصلی حفظ کنند. مدیریت هیجان داشته باشند. زوجین از همدیگر قدردانی کنند تا بتوانند در طول زندگی سازگاری زناشویی بهتری را تجربه کنند. این مطالعه کیفی با محدودیت‌هایی روبرو بود که از آن جمله می‌توان به احتیاط در تعمیم پذیری نتایج که از محدودیت‌های همه پژوهش‌های کیفی است اشاره کرد. با توجه به شروع و شیوع بیماری کرونایی مصاحبه‌ها هم محدودیت‌هایی داشتند و تعدادی از زوجین در این پژوهش

شرکت کردند. از دیگر محدودیت‌ها آن است که فقط زوجینی بالای ۷ سال زندگی مشترک مورد بررسی قرار گرفتند و زوجین زیر ۷ سال را شامل نمی‌شود.

موازین اخلاقی

این مقاله بر گرفته از پایان نامه دکترای مشاوره خانواده مصوب دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر اصفهان و با کد اخلاق IR.IAU.KHSH.REC.1401.003 می‌باشد که با حمایت مالی این دانشگاه انجام شد. نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از خانواده‌های عزیزی که در ایام کرونا زمینه مناسبی برای مصاحبه‌ها را فراهم کردند صمیمانه قدردانی شود.

سپاسگزاری

نویسندگان پژوهش حاضر بر خود لازم دانستند که از کلیه افرادی که در پژوهش شرکت نمودند و همکاری لازم را جهت اجرای پژوهش نمودند، کمال تشکر و سپاس خود را ابراز نمایند.

مشارکت نویسندگان

پژوهش حاضر حاصل اقتباس از رساله دکتری نویسنده اول بود. نویسنده این پژوهش در طراحی، مفهوم‌سازی، روش‌شناسی، گردآوری داده‌ها، تحلیل آماری داده‌ها، پیش‌نویس، ویراستاری و نهایی سازی نقش داشت.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافی نداشته‌اند.

منابع

- ریاحی، محمداسماعیل،، علیوردی نیا، اکبر، بهرامی، سیاوش. (۱۳۸۵). *تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق*. رساله دکترای تخصصی، رشته روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه کرمانشاه. طاهری، فاطمه. (۱۳۹۷). *بررسی رابطه بین اعتیاد به کار و ناسازگاری در محیط کار: نقش غنی سازی کار- خانواده و جنسیت*. رساله دکترای تخصصی، رشته مشاوره شغلی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کرمانشاه. مختاری، میرفرد، عبدالله، ولی نژاد. (۱۳۹۳). *میزان دینداری و ارتباط آن با استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی*. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۸(۶): ۱-۱۶.
- مسعودی اصل، پورفرد، قلی زاده، آذر. (۱۳۹۵). *مطالعه کیفی تجارب مردان و زنان طلاق گرفته از عوامل فرهنگی زمینه‌ساز طلاق*. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۶(۱): ۳۹-۶۴.
- نامداریور، فهیمه، فاتحی زاده، مریم، بهرامی، فاطمه، محمدی فشارکی، رحمت اله. (۱۳۹۷). *پیامدهای نشخوار فکری در زنان دارای تعارضات زناشویی*. رساله دکترای تخصصی، رشته مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان.

References

- Balbi, J. (2008). Epistemological and theoretical foundations of constructivist cognitive therapies: Post-rationalist developments. *Dialogues in Philosophy, Mental and Neuro Sciences*, 1(1).
- Breen, M.P., & Weinberger, D.A. (1995). Regulation of depressive affect and interpersonal behavior among children requiring residential or day treatment. *Development and Psychopathology*, 7(3), 529-541.
- Bingham, B. D. (1996). *The effect of rituals on newlywed marital adjustment*. Utah State University.
- Canong, L., & Coleman, M. (2018). Studying stepfamilies: Four eras of family scholarship. *Family process*, 57(1), 7-24.
- Capitano, J., & Greenhaus, J. H. (2018). When work enters the home: Antecedents of role boundary permeability behavior. *Journal of Vocational Behavior*, 109, 87-100.
- Clark, R. M. (2015). *Family life and school achievement*. University of Chicago Press.
- Faye, A., Kalra, G., Subramanyam, A., Shah, H., Kamath, R., & Pakhare, A. (2013). Study of marital adjustment, mechanisms of coping and psychopathology in couples seeking divorce in India. *Sexual and Relationship Therapy*, 28(3), 257-265.
- Fincham, F. D., Beach, S. R., & Davila, J. (2004). Forgiveness and conflict resolution in marriage. *Journal of family Psychology*, 18(1), 72.
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1994). Competing paradigms in qualitative research. *Handbook of qualitative research*, 2(163-194), 105.
- Locke, H. J., & Wallace, K. M. (1959). Short marital-adjustment and prediction tests: Their reliability and validity. *Marriage and family living*, 21(3), 251-255.
- Markman, H. J., & Halford, W. K. (2005). International perspectives on couple relationship education. *Family process*, 44(2), 139-146.
- Mondol, J. (2014). *Marital Adjustment: Extension of psychophysical well-being*. LAP LAMBERT Academic Publishing.
- Minuchin, P. (1985). Families and individual development: Provocations from the field of family therapy. *Child development*, 289-302.
- Niolon, R. (2000). Domestic violence in gay and lesbian couples. *Causes of domestic violence*.
- Ospina, S., Dodge, J., Godsoe, B., Minieri, J., Reza, S., & Schall, E. (2004). From consent to mutual inquiry: Balancing democracy and authority in action research. *Action research*, 2(1), 47-69.
- Ozden, M. S., & Celen, N. (2014). The relationship between inherent and acquired characteristics of human development with marital adjustment. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 140, 48-56.
- Ruas, M., Rodríguez González, M., Lampis, J., Murdock, N. L., Schweer Collins, M. L., & Lyons, E. R. (2010). Couple adjustment and differentiation of self in the United States, Italy, and Spain: A cross cultural study. *Family process*, 59(4), 1552-1568.
- Sternberg, K. J., Baradaran, L. P., Abbott, C. B., Lamb, M. E., & Guterman, E. (2006). Type of violence, age, and gender differences in the effects of family violence on children's behavior problems: A mega-analysis. *Developmental Review*, 26(1), 89-112.
- Tasew, A. S., & Getahun, K. K. (2021). Marital conflict among couples: The case of Durbete town, Amhara Region, Ethiopia. *Cogent Psychology*, 8(1), 1903127.
- Yalcin, B. M., & Karahan, T. F. (1992). Effects of a couple communication program on marital adjustment. *The Journal of the American Board of Family Medicine*, 20(1), 36-44.

Zaitov, E. X., & Isaxonov, J. A. (2021). The Main Directions of Solving the Main Problems of Young Families in Modern Conditions. The American Journal of Interdisciplinary Innovations Research, 3(03), 70-74.



Examining the causes of marital maladjustment in couple interactions (qualitative study)

Ali. Rozyan¹, Fahimeh. Namdarpour^{2*} & Fatemeh. Javadzadeh Shahshahani³

Abstract

Aim: The purpose of this study is to investigate the causes of maladjustment in couple interactions. **Method:** This study was conducted with a qualitative method and thematic analysis method. The sampling method was purposeful and up to the point of saturation, so that 20 maladjustment couples were selected based on the entry and exit criteria and were interviewed. The research tool was semi-structured in-depth interview. **Findings:** The collected data were analyzed with the help of thematic analysis and MAXQDA.2018 software. After analyzing the content of the data, seven central categories were obtained, which in order of importance were the lack of communication skills (inconsistency of verbal and non-verbal behavior, weak conversation skills, vague boundaries, weak listening skills), impenetrability (lack of flexibility, lack of agreement, arrogance) lack of demarcation in the main family (triangulation, condemning, intervention), economic factors (financial problems, heavy dowry, inflation), devaluation (undervaluing, non-acceptance, judging), intolerance of distress (lack of control) Anger, acting emotionally, having hatred) and forced marriage (adherence to tribal relations, adherence to customs). **Conclusion:** In couple interactions, the obtained categories are the causes of marital maladjustment.

Keywords: couple interactions, marital maladjustment and qualitative study.

1. PhD Student in Department of Counseling, Khomeinishahr Branch, Islamic Azad University, Khomeinishahr/Isfahan, Iran

1. *Corresponding author: Department of Counseling, Khomeinishahr Branch, Islamic Azad University, Khomeinishahr/Isfahan, Iran

1. Department of Counseling, Khomeinishahr Branch, Islamic Azad University, Khomeinishahr/Isfahan, Iran